

زندگینامه حضرت فاطمه الزهرا سلام الله علیها



مقام: ام الائمه

نام مبارک حضرت: فاطمه علیها السلام

القاب حضرت: زهرا، سیده نساء العالمین، بتول، صدیقہ، طاہرہ و

کنیہ: ام ایہا، ام الائمه، ام الحسن، ام الحسین، ام المحسن

پدر: حضرت محمد مصطفی صلی اللہ علیہ وآلہ

مادر مکرمہ شان: ام المؤمنین خدیجہ سلام اللہ علیہا

زادروز مبارکش: بیستم جمادی الآخر، پنج سال پس از بعثت

زادگاہ: مکہ مکرمہ

مدت امامت: —

مدت عمر: ۱۸ سال

تاریخ شهادت: ۳ جمادی الثانی سال ۱۱ هجری

علت شهادت: وارد شدن ضربه به پهلوی حضرت در حمله به خانه ایشان

قاتل: توسط مهاجمان به خانه ایشان

مدفن: مدینه منوره

بر اساس احادیث نبوی (صلی الله علیه و آله)، حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) برترین و والامقام ترین بانوی جهان در تمام قرون و اعصار می باشد. در یکی از این گفتارها (که البته مورد اتفاق مسلمانان، اعم از شیعه و سنی است)، می فرمایند: **فاطمه سرور زنان جهانیان است**. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در کلامی دیگر صراحتاً فاطمه (علیها السلام) را سرور زنان اولین و آخرین ذکر می نمایند.

نکته ای که از این دو حدیث نبوی و احادیث مشابه دریافت می شود اینست که اگر فاطمه (علیها السلام) برترین بانوی جهانیان است و در بین زنان از هر جهت، کسی دارای مقامی والاتر از او نیست، پس شناخت سراسر زندگانی و تمامی لحظات حیات او، از ارزش فوق العاده برخوردار می باشد. چرا که آدمی با دقت و تأمل در آن می تواند به عالیت ترین رتبه های روحانی نائل گردد.

از سوی دیگر با مراجعه به قرآن کریم درمی یابیم که آیات متعددی در بیان شأن و مقام حضرتش نازل گردیده است که از آن جمله می توان به آیه ی تطهیر، آیه مباحله، آیات آغازین سوره دهر، سوره کوثر، آیه اعطای حق ذی القربی و... اشاره نمود که خود تأکیدی بر مقام عمیق آن حضرت در نزد خداوند است.

در این بخش به طور مختصر، به مطالعه شخصیت و زندگانی آن بانوی گرانقدر خواهیم پرداخت:

۱. نام، القاب، کنیه ها:

نام: فاطمه (علیها السلام)

فاطمه، در لغت به معنی بریده شده و جدا شده می باشد و علت این نامگذاری بر طبق احادیث نبوی، آنست که: پیروان فاطمه (علیها السلام) به سبب او از آتش دوزخ بریده، جدا شده و برکنارند.

القاب: زهرا، صدیقه، طاهره، مبارکه، بتول، راضیه، مرضیه و...

زهرا به معنای درخشنده است و از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است: "چون دخت پیامبر در محرابش می‌ایستاد (مشغول عبادت می‌شد)، نورش برای اهل آسمان می‌درخشید؛ همانطور که نور ستارگان برای اهل زمین می‌درخشد".

صدیقه به معنی کسی است که به جز راستی چیزی از او صادر نمی‌شود. طاهره به معنای پاک و پاکیزه، مبارکه به معنای با خیر و برکت، بتول به معنای بریده و دور از ناپاکی، راضیه به معنای راضی به قضا و قدر الهی و مرضیه یعنی مورد رضایت الهی. (۱)

کنیه‌ها: ام الحسین، ام الحسن، ام الائمه، ام ابیها و...

ام ابیها به معنای مادر پدر می‌باشد و رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) دخترش را با این وصف می‌ستود؛ این امر حکایت از آن دارد که فاطمه (علیها السلام) بسان مادری برای رسول خدا بوده است. تاریخ نیز گواه خوبی بر این معناست؛ چه هنگامی که فاطمه در خانه پدر حضور داشت و پس از وفات خدیجه (سلام الله علیها) غمخوار پدر و مایه پشت گرمی و آرامش رسول خدا بود و در این راه از هیچ اقدامی مضایقه نمی‌نمود، چه در جنگها که فاطمه بر جراحات پدر مرهم می‌گذاشت و چه در تمامی مواقع دیگر حیات رسول خدا.

۲. مادر و پدر:

پدر: محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) که او رسول گرامی اسلام، خاتم پیامبران الهی و برترین مخلوق خداوند می‌باشد.



مادر: حضرتش خدیجه دختر خویلد، از زنان بزرگ و شریف قریش. او نخستین بانویی است که به اسلام گرویده است و پس از پذیرش اسلام، تمامی ثروت و دارایی خود را در خدمت به اسلام و مسلمانان مصرف نمود. خدیجه در دوران جاهلیت و دوران پیش از ظهور اسلام نیز به پاکدامنی مشهور بود؛ تا جایی که از او به طاهره (پاکیزه) یاد می‌شد و او را بزرگ زنان قریش می‌نامیدند.

۳. ولادت:

فاطمه (علیها السلام) در سال پنجم پس از بعثت (۲) و در روز ۲۰ جمادی الثانی در مکه به دنیا آمد. چون به دنیا پانهاد، به قدرت الهی لب به سخن گشود و گفت: "شهادت می‌دهم که جز خدا، الهی نیست و پدرم رسول خدا و آقای پیامبران است و شوهرم سرور اوصیاء و فرزندانم (دو فرزندم) سرور نوادگان می‌باشند".

اکثر مفسران شیعی و عده‌ای از مفسران بزرگ اهل تسنن نظیر فخر رازی، آیه آغازین سوره کوثر را به فاطمه (علیها السلام) تطبیق نموده‌اند و او را خیر کثیر و باعث بقا و گسترش نسل و ذریه پیامبر اکرم ذکر نموده‌اند.

۴. مکارم اخلاق

سراسر زندگانی صدیقه طاهره (علیها السلام)، مملو از مکارم اخلاق و رفتارهای نمونه و انسانی است. ما در این مجال جهت رعایت اختصار تنها به سه مورد اشاره می‌نماییم:

از جابر بن عبدالله انصاری، صحابی پیامبر (صلی الله علیه و آله) منقول است که: مردی از اعراب مهاجر که فردی فقیر و مستمند بود، پس از نماز عصر از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) طلب کمک و مساعدت نمود. حضرت فرمود که من چیزی ندارم. سپس او را به خانه فاطمه (سلام الله علیها) که در کنار مسجد و در نزدیکی خانه رسول خدا قرار داشت، راهنمایی نمودند. آن شخص به همراه بلال (صحابی و مؤذن رسول خدا) به در خانه حضرت فاطمه (علیها السلام) آمد و بر اهل بیت رسول خدا سلام گفت و سپس عرض حال نمود. حضرت فاطمه (علیها السلام) با وجود اینکه سه روز بود خود و پدر و همسرش در نهایت گرسنگی به سر می‌بردند، چون از حال فقیر آگاه شد، گردن‌بندی را که فرزند حمزه، دختر عموی حضرت به ایشان هدیه داده بود و در نزد آن بزرگوار یادگاری ارزشمند محسوب می‌شد، از گردن باز نمود و به اعرابی فرمود: این را بگیر و بفروش؛ امید است که خداوند بهتر از آن را نصیب تو نماید.

اعرابی گردن‌بند را گرفت و به نزد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بازگشت و شرح حال را گفت. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از شنیدن ماجرا، متأثر گشت و اشک از چشمان مبارکش فرو ریخت و به حال اعرابی دعا فرمود. عمار یاسر (از اصحاب پیامبر) برخاست و اجازه گرفت و در برابر اعطای غذا، لباس، مرکب و هزینه سفر به اعرابی، آن گردن‌بند را از او خریداری نمود.

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) از اعرابی پرسید: آیا راضی شدی؟ او در مقابل، اظهار شرمندگی و تشکر نمود. عمار گردن‌بند را در پارچه ای یمانی پیچیده و آنرا معطر نمود و به همراه غلامش به پیامبر هدیه داد. غلام به نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمد و جریان را باز گفت. پیامبر غلام و گردن‌بند را به فاطمه (علیها السلام) بخشید.

غلام به خانه‌ی صدیقه اطهر آمد. زهرا (علیها السلام)، گردن‌بند را گرفت و غلام را در راه خدا آزاد نمود. گویند غلام در این هنگام تبسم نمود. هنگامی که علت را جویا شدند، گفت: چه گردن‌بند با برکتی بود، گرسنه‌ای را سیر کرد و برهنه‌ای را پوشانید، پیاده‌ای را صاحب مرکب و فقیری را بی‌نیاز کرد و غلامی را آزاد نمود و سرانجام به نزد صاحب خویش بازگشت.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در شب زفاف پیراهن نویی را برای دختر خویش تهیه نمود. فاطمه (علیها السلام) پیراهن وصله‌داری نیز داشت. سائلی بر در خانه حاضر شد و گفت: من از خاندان نبوت پیراهن کهنه می‌خواهم. حضرت زهرا (علیها السلام) خواست پیراهن وصله‌دار را مطابق خواست سائل به او بدهد که به یاد آیه شریفه "هرگز به نیکی دست نمی‌یابید مگر آنکه از آنچه دوست دارید انفاق نمایید"، افتاد. در این هنگام فاطمه (علیها السلام) پیراهن نو را در راه خدا انفاق نمود.

امام حسن مجتبی در ضمن بیانی، عبادت فاطمه (علیها السلام)، توجه او به مردم و مقدم داشتن آنان بر خویشان، در عالیترین ساعات راز و نیاز با پروردگار را این گونه توصیف می‌نمایند: "مادرم فاطمه را دیدم که در شب جمعه‌ای در محراب عبادت خویش ایستاده بود و تا صبحگاهان، پیوسته به رکوع و سجود می‌پرداخت. و شنیدم که بر مردان و زنان مؤمن دعا می‌کرد، آنان را نام می‌برد و بسیار برایشان دعا می‌نمود اما برای خویشان هیچ دعایی نکرد. پس به او گفتم: ای مادر، چرا برای خویش همانگونه که برای غیر، دعا می‌نمودی، دعا نکردی؟ فاطمه (علیها السلام) گفت: پسر! اول همسایه و سپس خانه".

حضرت زهرا (س) در بیستم جمادی الثانی سال پنجم پس از بعثت در مکه مکرمه به دنیا آمد و سوم جمادی الثانی سال یازدهم هجری و در ۱۸ سالگی در مدینه منوره به شهادت رسید. حضرت زهرا (س) یکی از پنج بانوی قدسی تاریخ جهان به شمار می‌رود و جایگاه بسیار رفیعی در دین اسلام دارد. آن حضرت (س) سومین معصوم، دختر معصوم، همسر معصوم و مادر معصوم و دارای ویژگی‌های ممتاز متعددی است.

۱۲ امام بزرگوار شیعه (علیهم السلام) از نسل حضرت فاطمه زهرا (س) هستند؛ مطابق روایات سوره و آیاتی از قرآن کریم مانند سوره کوثر، سوره انسان، آیه تطهیر و آیه مودت در حق آن حضرت (س) و همسر و فرزندان نازل گردیده است و دوستی و دشمنی با ایشان، به منزله دوستی و دشمنی با پیامبر (ص) است.

بی شک بر کسی پوشیده نیست که حضرت زهرا (س) مجموع صفات پدرشان، حضرت محمد (ص) را در خود دارند. حضرت زهرا (س) نه تنها صفات پدر را در خود داشتند، بلکه هر آنچه از علم، معرفت، اخلاق و ایمان پدر در دست داشتند و برای دیگران به اشتراک می گذاشتند، که حقیقت اسلام زنده بماند و جاودانه شود.

حضرت فاطمه زهرا (س) دختر گرامی خاتم الانبیاء حضرت محمد (ص) و حضرت خدیجه کبری (س)، همسر مکرمه حضرت امام علی (ع) و مادر ارجمند حضرت امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و حضرت زینب کبری (س) است.

پدر بزرگوار حضرت زهرا (س) خاتم پیامبران الهی و برترین مخلوق خداوند و مادرش خدیجه، از زنان بزرگ و شریف قریش و نخستین بانویی بود که به اسلام گروید و تمامی ثروت و دارایی خود را برای خدمت به اسلام و مسلمانان صرف کرد. خدیجه در دوران جاهلیت و دوران پیش از ظهور اسلام نیز به پاکدامنی مشهور بود، تا جایی که از او به طاهره (پاکیزه) یاد می شد.

مطابق با برخی روایات رسول خدا (ص) قبل از انعقاد نطفه حضرت زهرا (س) از سوی خدا مامور شد که چهل شبانه روز از حضرت خدیجه (س) فاصله بگیرد و خانه را ترک نموده در مکانی معتکف گردد. آن حضرت این ایام را به روزه و عبادت سپری نمود و در پایان این اعتکاف چهل روزه جبرئیل بر رسول خدا فرود آمد و در حالی که طعامی با خود به همراه آورده بود، به پیامبر گفت: به فرمان خداوند با این طعامی که به دستور خدا از بهشت برای تو آورده ام افطار کن. پس رسول خدا با آن غذا افطار نمود و پس از افطار به سوی خانه خدیجه روان شد و همان شب نطفه پاک فاطمه منعقد گردید.

در روایتی آمده است که رسول خدا (ص) در دوران حمل حضرت زهرا (س) توسط خدیجه به او فرمود: ای خدیجه! جبرئیل مرا بشارت داده که او دختر است، و گفته که او منشأ نسلی پاک و مبارک است و خداوند تبارک و تعالی مقدر نموده که نسل من از طریق او برقرار و پایدار بماند، و مقرر فرموده که فرزندان او پس از انقطاع وحی امام و خلیفه خدا در زمین باشند.

پیامبر اکرم (ص)، نام فرزند عزیز خود را فاطمه گذاشتند که در مورد علت این نامگذاری در حدیثی از آن حضرت (س) آمده است: ((إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَطَمَ ابْنَتِي فَاطِمَةَ وَوَلَدَهَا وَ مَنْ أَحَبَّهُمْ مِنَ النَّارِ فَلِذَلِكَ سَمَّيْتُ فَاطِمَةَ)) ترجمه: خداوند دخترم فاطمه و فرزندانش و هر کس که آن ها را دوست داشته باشد را از آتش دوزخ جدا کرده، به این دلیل او فاطمه نامیده شده است.

در جایی دیگر، دلیل نامگذاری ایشان به نام فاطمه را این گونه بیان کردند که از هر گونه بدی جدا و بریده شده است.

اکثر مفسران شیعی و عده ای از مفسران بزرگ اهل تسنن نظیر فخر رازی، آیه آغازین سوره کوثر را به حضرت فاطمه زهرا (س) تطبیق نموده اند و او را خیر کثیر و باعث بقا و گسترش نسل و ذریه پیامبر اکرم ذکر نموده اند. شایان ذکر است که آیه انتهایی این

سوره نیز قرینه خوبی براین مدعاست که در آن خداوند به پیامبر خطاب می‌کند و می‌فرماید همانا دشمن تو ابتر و بدون نسل است.

طبق روایات حضرت زهرا (س) چون به دنیا پانهاد، به قدرت الهی لب به سخن گشود و گفت: "شهادت می‌دهم که جز خدا، الهی نیست و پدرم رسول خدا و آقای پیامبران است و شوهرم سرور اوصیاء و فرزندانم (دو فرزندم) سرور نوادگان هستند".

وقتی حضرت زهرا (س) به سن ازدواج رسید، افراد زیادی از صحابه پیامبر (ص) و بزرگان و سرشناسان مسلمان از ایشان خواستگاری کردند. از جمله این افراد ابوبکر و عمر بودند، لیکن پیامبر اسلام (ص) در جواب آنان فرمودند: "در مورد فاطمه منتظر فرمان الهی هستم".

پس از آن، خویشاوندان از علی (ع) خواستند تا حضرت زهرا (س) را از پیامبر خواستگاری کند؛ لذا علی (ع) شخصا به حضور پیامبر (ص) شرفیاب شد؛ ولی شرم و حیا مانع از سخن گفتن ایشان گردید. پیامبر (ص) پرسید: ابالحسن چه می‌خواهی؟ و علی (ع) همچنان ساکت بود تا پیغمبر (ص) سه بار سؤال خود را تکرار نمود. سپس فرمود: گویا فاطمه (س) را می‌خواهی؟ علی (ع) جواب داد: آری؛ و بنابر نقل دیگری علی (ع) به پیامبر (ص) عرض کرد: ((پدر و مادرم فدای تو باد. تو می‌دانی که مرا در کودکی از پدرم "ابوطالب" و مادرم "فاطمه بنت اسد" گرفتی و در سایه تربیت خود پرورش دادی و در این پرورش از پدر و مادر بر من مهربان‌تر بودی و از سرگردانی و شک که پدران من دچار آن بودند، رها نمودی. تو در دنیا و آخرت تنها اندوخته من هستی. اکنون که خداوند مرا به وسیله تو نیرومند ساخته است، می‌خواهم به زندگی خود سامان بدهم و ازدواج کنم. من برای خواستگاری فاطمه آمده‌ام. آیا قبول می‌کنی؟)).

با شنیدن این خبر چهره مبارک پیامبر (ص) از شادمانی برافروخت و به روی علی (ع) خندید و فرمود: آیا چیزی داری که مهریه فاطمه قرار دهی؟ عرض کرد: حال من بر شما پوشیده نیست. جز شمشیر و شتر آبکش و زره چیزی ندارم. پیامبر (ص) فرمودند: شمشیر را برای جهاد و شتر را برای آب دادن به نخل‌های خرما و بارکشی در سفر می‌خواهی، همان زره را مهر قرار بده؛ و بنابر نقل دیگر پیامبر (ص) به علی (ع) فرمود: "پیش از تو کسانی به خواستگاری او آمده‌اند، اما دخترم نپذیرفته است." سپس به خانه رفت و به دخترش فرمود: "علی تو را از من خواستگاری کرده است، تو پیوند و سبقت او در اسلام را می‌دانی و از فضیلت او آگاهی." حضرت زهرا (س) بدون آن که صورت خود را برگرداند، خاموش ماند. پیامبر (ص)، چون آثار خشنودی را در چهره او دید، فرمود: الله اکبر، سکوتها، اقرارها، سکوت او نشانه رضایت اوست.

به هر حال علی (ع) مهریه حضرت زهرا (س) را که مبلغ ۴۸۰ درهم بود و به قولی ۴۰۰ درهم و یا همان مهرالسنة یعنی مبلغ ۵۰۰ درهم بود؛ و از طریق فروش زره آن حضرت تامین گردید، به پیامبر (ص) داد. آن حضرت یک سوم آن را داد تا به وسیله آن عطر تهیه کنند و بقیه را بدون آن که بشمارد به ابوبکر داد تا با آن لوازم زندگی برای حضرت زهرا (س) تهیه کند. در مورد علت این امر پیامبر بارها به "سلمی" فرمود: «من فاطمه را به علی تزویج نکردم، بلکه خدا فاطمه را به علی تزویج نمود.» و نیز در فضیلت علی (ع) فرمود: «لو لم یخلق علی (ع) ما کان لفاطمه کفو؛ اگر علی (علیه السلام) خلق نمی شد، برای فاطمه همسری پیدا نمی شد.» و نیز فرمودند: «فاطمه جان؛ خداوند به رضای تو راضی و به خشم تو خشمگین می شود» و نیز "عایشه" از رسول اکرم (ص) نقل می کند که آن حضرت به فاطمه زهرا (س) فرمودند: «ای فاطمه بشارت بر تو باد که همانا خداوند تو را بر همه زنان عالم و بر همه زنان اهل اسلام برگزیده است».

ازدواج پر برکت حضرت حضرت (س) و حضرت علی (ع) طبق نقل مشهور در سال دوم هجرت در مدینه اتفاق افتاد. زندگی مشترک آن ها در سن ۹ سالگی حضرت زهرا (س) و در کمال صفا و محبت آغاز گردید؛ به طوری که علی (ع) می فرمود: «به خدا قسم تا فاطمه (س) زنده بود او را به خشم نیاوردم و او نیز کاری نکرد که مرا به خشم آورد». ثمره این ازدواج مبارک، پنج فرزند به نام های حسن، حسین، زینب، ام کلثوم و محسن (که در جریان وقایع پس از وفات پیامبر (ص) سقط شد)، بود.

امام حسن و امام حسین (علیهما سلام) از امامان شیعیان هستند که در دامان چنین مادری تربیت یافته اند و ۹ امام دیگر (به غیر از امام علی (ع) و امام حسن (ع)) از ذریه امام حسین (ع) هستند و بدین ترتیب و از طریق حضرت فاطمه زهرا (س) به رسول خدا (ص) منتسب می گردند و از ذریه ایشان به شمار می روند. به خاطر منسوب بودن ائمه اطهار (به غیر از امیر المومنین (ع)) به آن حضرت، فاطمه زهرا (س) را "ام الائمه" (مادر امامان) گویند.

جایگاه علمی و فعالیت های اجتماعی حضرت زهرا (س)

حضرت فاطمه زهرا (س) در نزد شیعیان اگر چه امام نیست، اما مقام و منزلت او نزد خداوند و در میان مسلمانان به خصوص شیعیان، نه تنها کمتر از سایر ائمه نیست، بلکه آن حضرت همتای امیر المومنین (ع) و دارای منزلتی عظیم تر از سایر ائمه طاهریں (علیهم السلام) است. اگر بخواهیم مقام علمی حضرت زهرا (س) را درک کنیم و به گوشه ای از آن پی ببریم، شایسته است به گفتار او در خطبه فدکیه بنگریم؛ چه آنجا که استوارترین جملات را در توحید ذات اقدس ربوبی بر زبان جاری می کند، یا آن هنگام که معرفت و بینش خود را نسبت به رسول اکرم آشکار می سازد و یا در مجالی که در آن خطبه، امامت را شرح مختصری می دهد.

جای جای این خطبه و احتجاجات این بانوی بزرگوار به قرآن کریم و بیان علت تشریع احکام، خود سندی محکم بر اقیانوس بی‌کران علم اوست که متصل به مجرای وحی است. از دیگر شواهدی که به آن وسیله می‌توان گوشه‌ای از علو مقام حضرت فاطمه زهرا (س) را درک نمود، مراجعه زنان و یا حتی مردان مدینه در مسائل دینی و اعتقادی به آن بزرگوار است که در فرازهای گوناگون تاریخ نقل شده است. همچنین استدلال‌های عمیق فقهی فاطمه (س) در جریان فدک، به روشنی بر احاطه حضرت زهرا (س) بر سراسر قرآن کریم و شرایع اسلامی دلالت می‌نماید.

علامه سید جعفر مرتضی عاملی در خصوص مرجعیت حضرت زهرا (س) می‌نویسد:

((تاکیدهای مکرر و مداوم پیامبر اکرم (ص) در گفتار و رفتار، به علاوه مقام و موقعیت حضرت زهرا (س) سبب شد تا ایشان مورد مراجعه مردم باشند و از درجه و موقعیت خاصی برخوردار گردند. چنانکه منزل ایشان پایگاه و پناهگاهی برای کسان زیادی بود که به آنجا رفت و آمد می‌کردند. علاوه بر زنان همسایه، دیگر بانوان مدینه نیز به آن حضرت مراجعه کرده و به منزلش رفت و آمد داشتند)).

۵. ازدواج و فرزندان آن حضرت

نقل شده است بسیاری از نامداران صحابه و مهاجرین از حضرت صدیقه (سلام الله علیها) خواستگاری کردند و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به آنها می‌فرمود که اختیار فاطمه در دست خداست. تا سرانجام جبرئیل بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شد و گفت: "ای محمد! خدا بر تو سلام می‌رساند و می‌فرماید فاطمه را به عقد علی درآور، خداوند علی را برای فاطمه و فاطمه را برای علی پسندیده است

"در روایات متعددی نقل گشته است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: اگر علی نبود، فاطمه همتایی نداشت. بدین ترتیب بود که مقدمات زفاف فراهم شد. حضرت فاطمه (علیها السلام) با مهری اندک (بر خلاف رسوم جاهلی که مهر بزرگان بسیار بود) به خانه امام علی (علیه السلام) قدم گذارد. (۳)

ثمره این ازدواج مبارک، پنج فرزند به نامهای حسن، حسین، زینب، ام کلثوم و محسن (که در جریان وقایع پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله) سقط شد)، بود. امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) از امامان ۱۲ گانه می‌باشند که در دامان چنین مادری تربیت یافته‌اند و ۹ امام دیگر (به غیر از امام علی (علیه السلام) و امام حسن (علیه السلام)) از ذریه امام حسین (علیه السلام) می‌باشند و بدین ترتیب و از طریق فاطمه (علیها السلام) به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) منتسب می‌گردند و از ذریه ایشان به شمار می‌روند. (۴) و به خاطر منسوب بودن ائمه طاهرین (به غیر از امیر مؤمنان (علیه السلام)) به آن حضرت، فاطمه (علیها السلام) را "ام الائمه" (مادر امامان) گویند.

زینب (سلام الله علیها) که بزرگترین دختر فاطمه (علیها السلام) به شمار می‌آید، بانویی عابد و پاکدامن و عالم بود. او پس از واقعه عاشورا، و در امتداد حرکت امام حسین (علیه السلام)، آن چنان قیام حسینی را نیکو تبیین نمود، که پایه‌های حکومت فاسق اموی به لرزه افتاد و صدای اعتراض مردم نسبت به ظلم و جور یزید بارها و بارها بلند شد. تا جایی که حرکت‌های گسترده‌ای بر ضد ظلم و ستم او سازمان گرفت. آنچه از جای جای تاریخ درباره عبادت زینب کبری (علیها السلام) بدست می‌آید، آنست که حتی در سخت‌ترین شرایط و طاقت‌فرساترین لحظات نیز راز و نیاز خویش با پروردگار خود را ترک نمود و این عبادت و راز و نیاز او نیز ریشه در شناخت و معرفت او نسبت به ذات مقدس ربوبی داشت.

ام کلثوم نیز که در دامان چنین مادری پرورش یافته بود، بانویی جلیل‌القدر و خردمند و سخنور بود که او نیز پس از عاشورا به همراه زینب (سلام الله علیها) حضور داشت و نقشی عمده در آگاهی دادن به مردم ایفا نمود.

۶. فاطمه (علیها السلام) در خانه

فاطمه (علیها السلام) با آن همه فضیلت، همسری نیکو برای امیر مؤمنان بود. تا جایی که روایت شده هنگامی که علی (علیه السلام) به فاطمه (علیها السلام) می‌نگریست، غم و اندوهش زدوده می‌شد. فاطمه (علیها السلام) هیچگاه حتی اموری را که می‌پنداشت امام علی (علیه السلام) قادر به تدارک آنها نیست، از او طلب نمی‌نمود. اگر بخواهیم هر چه بهتر رابطه زناشویی آن دو نور آسمان فضیلت را بررسی نماییم، نیکوست از امام علی (علیه السلام) بشنویم؛ چه آن هنگام که در ذیل خطبه‌ای به فاطمه (علیها السلام) با عنوان بهترین بانوی جهانیان مباحثات می‌نماید و او را از افتخارات خویش بر می‌شمرد و یا آن هنگام که می‌فرماید: "بخدا سوگند که او را به خشم در نیاوردم و تا هنگامی که زنده بود، او را وادار به کاری که خوشش نیاید ننمودم؛ او نیز مرا به خشم نیاورد و نافرمانی هم ننمود".

۷. مقام حضرت زهرا (علیها السلام) و جایگاه علمی ایشان:

فاطمه زهرا (علیها السلام) در نزد شیعیان اگر چه امام نیست، اما مقام و منزلت او در نزد خداوند و در بین مسلمانان به خصوص شیعیان، نه تنها کمتر از سایر ائمه نیست، بلکه آن حضرت همتای امیر المؤمنین و دارای منزلتی عظیم‌تر از سایر ائمه طاهرين (علیهم السلام) می‌باشد. اگر بخواهیم مقام علمی فاطمه (علیها السلام) را درک کنیم و به گوشه‌ای از آن پی ببریم،

- شایسته است به گفتار او در خطبه فدکیه بنگریم؛ چه آنجا که استوارترین جملات را در توحید ذات اقدس ربوبی بر زبان جاری می‌کند، یا آن هنگام که معرفت و بینش خود را نسبت به رسول اکرم آشکار می‌سازد و یا در مجالی که در آن خطبه، امامت را شرح مختصری می‌دهد. جای جای این خطبه و احتجاجات این بانوی بزرگوار به قرآن کریم و بیان علت تشریع احکام، خود سندی محکم بر اقیانوس بی‌کران علم اوست که متصل به مجرای وحی است (قسمتی از این خطبه در فراز آخر مقاله خواهد آمد).
- از دیگر شواهدی که به آن وسیله می‌توان گوشه‌ای از علو مقام فاطمه (علیها السلام) را درک نمود، مراجعه زنان و یا حتی مردان مدینه در مسائل دینی و اعتقادی به آن بزرگوار می‌باشد که در فرازهای گوناگون تاریخ نقل شده است.
- همچنین استدلالهای عمیق فقهی فاطمه (علیها السلام) در جریان فدک (که مقداری از آن در ادامه ذکر خواهد گردید)، به روشنی بر احاطه فاطمه (علیها السلام) بر سراسر قرآن کریم و شرایع اسلامی دلالت می‌نماید.

۸. مقام عصمت:

در بیان عصمت فاطمه (علیها السلام) و مصونیت او نه تنها از گناه و لغزش بلکه از سهو و خطا، استدلال به آیه تطهیر ما را بی‌نیاز می‌کند. ما در این قسمت جهت جلوگیری از طولانی شدن بحث، تنها اشاره می‌نماییم که عصمت فاطمه (علیها السلام) از لحاظ کیفیت و ادله اثبات همانند عصمت سایر ائمه و پیامبر است که در جای خود بحث خواهد شد.

۹. بیان عظمت فاطمه از زبان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، بارها و بارها فاطمه (علیها السلام) را ستود و از او تجلیل نمود. در مواقع بسیاری می‌فرمود: "پدرش به فدایش باد" و گاه خم می‌شد و دست او را می‌بوسید. به هنگام سفر از آخرین کسی که خداحافظی می‌نمود، فاطمه (علیها السلام) بود و به هنگام بازگشت به اولین محلی که وارد می‌شد، خانه او بود.

عامه محدثین و مسلمانان از هر مذهب و با هر عقیده‌ای، این کلام را نقل نموده‌اند که حضرت رسول می‌فرمود: "فاطمه پاره تن من است هر کس او را بیازارد مرا آزرده است" از طرفی دیگر، قرآن کریم پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را از هر سخنی که منشأ آن هوای نفسانی باشد، بدور دانسته و صراحتاً بیان می‌دارد که هر چه پیامبر می‌فرماید، سخن وحی است. پس می‌توان دریافت که این همه تجلیل و ستایش از فاطمه (علیها السلام)، علتی ماورای روابط عاطفی مابین پدر و فرزند دارد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز خود به این مطلب اشاره می‌فرمود. گاه در جواب خرده‌گیران، لب به سخن می‌گشود که خداوند مرا به این کار امر نموده و یا می‌فرمود: "من بوی بهشت را از او استشمام می‌کنم".

10. حضرت زهرا در زمان پیامبر اکرم

در مکه:

زندگی حضرت فاطمه (س) از آغاز کودکی آمیخته به سختی‌ها و رنج‌ها و مشکلات فراوان بود. هنوز بیش از دو سال از زندگی حضرت زهرا (س) نگذشته بود که قریش در صدد کشتن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برآمدند. و چون ابوطالب از این تصمیم مطلع گشت از بنی عبدالمطلب خواست تا داخل شعب ابوطالب شده و از جان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دفاع کنند. آنان به جز ابولهب و ابوسفیان بن حارث بن عبدالمطلب به شعب رفتند. قریش نیز در واکنش به این حرکت، پیوندهای اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و ... را با آنان قطع کرد. این محاصره سه سال به طول انجامید. مطابق با گزارش‌های تاریخی کسانی که درون شعب بوده‌اند، وضعیت سختی داشتند آنها قادر به برطرف کردن مایحتاج خود نبوده و حتی قریش راه ورود طعام و آب را بر روی آنان بسته بودند.

در سال دهم بعثت پس از آنکه بنی هاشم از شعب ابی طالب بیرون آمدند و وضعیت آنها رو به بهبودی می‌رفت، حضرت ابوطالب (علیه السلام) از دنیا رفت و به فاصله چند روز پس از آن در حالی که حضرت فاطمه سلام الله علیها بیش از پنج سال نداشتند، مادرش حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، از دنیا رفت. در روایتی آمده است، پیش از خاکسپاری، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به قبر ایشان فرود آمدند در حالی که «فاطمه» دامن پدرش، پیامبر را گرفته بود و دور پدر می‌گشت و می‌پرسید: پدر جان! مادرم کجاست؟ و پیامبر پرسش او را بی پاسخ می‌گذاشت. او به سوی دیگران می‌رفت و از آنان سراغ مادر پرمهر خویش را می‌گرفت که در این هنگام «جبرئیل» فرود آمد و به پیامبر خبر داد که: «پروردگارت به شما فرمان می‌دهد که سلام ما را به «فاطمه»

برسان و به او بگو: مادرش «خدیجه» اینک در بهشت زیبا و پرطراوت خداست... و او در کنار «آسیه» «و» «مریم» دختر «عمران» و مادر «مسیح» است. پیامبر، «فاطمه» را در آغوش گرفت و مورد محبت قرار داد و پیام خدا را به او رسانید.

پس از وفات حضرت خدیجه سلام الله علیها، سالهای حضور پیامبر در مکه مملو از آزارها و اهانت ها و تلاش های مستمر دشمنان برای محو اسلام و مسلمین بود. گاه دشمنان سنگدل، خاک یا خاکستر بر سر پیامبر (صلی الله علیه و آله) می پاشیدند، هنگامی که پیامبر به خانه می آمد، فاطمه (علیها السلام) خاک و خاکستر را از سر و صورت پدر پاک می کرد، در حالی که اشک در چشمانش حلقه زده بود، پیامبر می فرمود: «دخترم! غمگین مباش و اشک مریز که خداوند حافظ و نگهبان پدر توست.

در روایت آمده است دشمنان در حجر اسماعیل اجتماع داشتند و به بت ها سوگند خوردند که هر کجا «محمد» را پیدا کنند، او را به قتل برسانند. فاطمه (علیها السلام) این خبر را شنید و به اطلاع پدر رسانید تا مراقبت بیشتری از خود کند.

در صحیح بخاری آمده است: ابوجهل مشتی از اراذل مکه را تحریک کرد که به هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مسجد الحرام به سجده رفته بود، شکمبه گوسفندی را بیاورند و بر سر حضرت بیفکنند، هنگامی که این عمل انجام شد ابوجهل و اطرافیانش صدا به خنده بلند کردند و پیامبر را به باد مسخره گرفتند. بعضی از یاران، منظره را دیدند اما دشمن بی رحم چنان آماده بود که توانایی بر دفاع نداشتند. این خبر به گوش دختر کوچکش فاطمه (علیها السلام) رسید، به سرعت به مسجد الحرام آمد و با شجاعت مخصوص خودش ابوجهل و یارانش را با شمشیر زبان مجازات کرد، و به آنها نفرین فرمود.

هجرت به مدینه:

پس از رحلت ابوطالب و عدم حمایت بنی هاشم از رسول خدا (ص)، مکه دیگر جای امنی برای ایشان نبود و هر لحظه امکان قتل ایشان وجود داشت. پس از آنکه عده ای از مردم یثرب مسلمان شدند و دو بار در عقبه وفاداری خود را به رسول خدا (ص) اعلام کردند، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) تصمیم به هجرت به مدینه گرفتند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) در شبی که به لیلۃ المیمیت معروف است و در آن شب قریشیان تصمیم به قتل ایشان گرفته بودند، با فداکاری امیرالمؤمنین (علی) علیه السلام راهی مدینه شدند.

در آن شب پیامبر (ص)، علی (ع) را فرمود که صبح و شام بر دامنه کوه فریاد زند: هر که نزد محمد امانتی دارد بیاید تا امانتش را به او پس دهیم. سپس به او فرمود: علی؛ از این پس ناپسندی از قریش نخواهی دید تا به من بییونی. پس امانت مرا در حضور مردم و آشکارا ادا کن. من فاطمه دخترم را به تو می سپارم و هر دوی شما را به خداوند؛ او شما را حفظ کند.

پس از ورود رسول الله به قباء آن حضرت در منزل عمرو ابن عوف ساکن شدند و زمانی که ابوبکر پیشنهاد رفتن به مدینه را داد، آن حضرت نپذیرفتند و فرمودند: «من داخل مدینه نمی شوم تا اینکه پسر برادرم (یعنی علی علیه السلام) و دخترم فاطمه نزد من بیایند». وقتی شب شد ابوبکر از رسول الله (ص) جدا شده و داخل مدینه شد اما پیامبر در قباء باقی ماند و نامه ای برای علی (ع) نوشت و در آن از او خواست تا به ایشان بپیوندد. وقتی نامه به امیرالمومنین (ع) رسید حضرت به همراه حضرت فاطمه و مادرش فاطمه بنت اسد و فاطمه دختر زبیر بن عبدالمطلب و به راه افتاد و به دنبال آنها ایمن فرزند ام ایمن (غلام رسول خدا) و ابو واقد فرستاده رسول خدا نیز آمده و به آنها ملحق شدند. وقتی قریشیان مطلع شدند، عده ای را به دنبال آن حضرت و همراهان فرستادند و قصد وادار نمودن امام علی علیه السلام برای بازگرداندن کاروان به مکه را نمودند که با دفاع قهرمانانه ی آن حضرت، خوار و حقیر به مکه بازگشتند. و حضرت علی علیه السلام به همراه همسفرانش راه مدینه را پیش گرفتند و پس از مدتی به ضجنان رسیدند؛ شب را در آنجا مانده و در طول شب به عبادت خداوند مشغول بودند، در حال ایستاده یا نشسته و حتی در حالی که به پهلوی دراز کشیده بودند. صبح هنگام مجدداً راه مدینه را پیش گرفته و به هر منزلگاهی می رسیدند به همین وضعیت به عبادت می پرداختند.

در روایت ابو عبیده از پدرش و ابن ابی رافع آمده است که: در شأن آنها قبل از رسیدنشان به پیامبر این آیات نازل گردید: «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَٰذَا بَاطِلًا» ... آنهايي که در هر حال، ایستاده و نشسته و در حال خفتن، خدا را یاد کنند و دائم در خلقت آسمانها و زمین فکر کرده، پروردگارا تو این را بیهوده نیافریده ای). «... آل عمران، ۱۹۱ (تا آنجا که می فرماید): فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ» که «ذکر» علی علیه السلام و «انثی» فاطمه سلام الله علیهاست و «بعضکم من بعض» اشاره دارد به اینکه علی از فاطمه است.

علمای شیعه در تعیین سن حضرت فاطمه علیها السلام به هنگام ازدواج از چهارده سال بیشتر نگفته اند.^{۱۳۱} اکثر عالمان شیعه معتقدند که، سن حضرت در زمان ازدواج، ۹ یا ۱۰ یا حداکثر ۱۱ سال بوده است.^{۱۳۲}

آن حضرت به ازدواج امام علی علیه السلام در آمد که مطابق با برخی منابع در آن زمان ۲۱ سال داشتند.^{۱۳۳} پیش از حضرت علی علیه السلام افرادی مانند ابوبکر و عمر آمادگی خود را برای ازدواج با دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اعلام کرده بودند و هر دو از پیامبر یک پاسخ شنیده بودند و آن این که درباره ازدواج زهرا منتظر وحی الهی است.^{۱۳۴}

مطابق با روایات وقتی حضرت علی علیه السلام به خواستگاری فاطمه سلام الله علیها رفت پیامبر به نزد فاطمه رفت و فرمود: «علی بن ابی طالب، کسی است که خویشاوندی و فضیلت و اسلامش را می شناسی و من از خدا خواسته‌ام که تو را به ازدواج بهترین آفریدگانش و محبوب ترین آنان در نزدش درآورد و علی از تو خواستگاری کرده است. چه نظری داری؟»

فاطمه علیها السلام ساکت ماند و صورتش را برگرداند و پیامبر خدا، کراحتی در چهره اش ندید. پس برخاست، در حالی که می گفت: «الله اکبر! سکوت او [نشانه] رضایت اوست.»

پس جبرئیل علیه السلام نزدش آمد و گفت: ای محمد! او را به ازدواج علی بن ابی طالب درآور که خداوند، این دو را برای هم پسندیده است.^[۳۵]

از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که خطاب به علی علیه السلام فرمود: «لولاک یا علی لما کان لفاطمه کفو علی وجه الارض»^[۳۶] یا علی اگر تو نبودی، فاطمه را بر روی زمین کفوی نبود.

علامه حسن زاده آملی در شرح این روایت گفته‌اند: نکاح بر کفایت است - که باید مرد و زن کفو هم باشند - و مرد غیر معصوم را بر زنی که صاحب عصمت است راهی نیست.^[۳۷] برای تفصیل رجوع شود به: «ازدواج حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س).

11. زندگی حضرت زهرا و امیرالمؤمنین

حضرت زهرا سلام الله علیها و امام علی علیه السلام زوجی هستند که هر دو معصوم و از خطا و اشتباه مبرا هستند. لذا زندگی ایشان زندگی کامل، سرتاسر طهارت و از هر نقص و اشتباهی بدور است. از روایات اندکی که در این مورد به دست رسیده است بر می آید که رفتار آنها با یکدیگر و با فرزندان‌شان به بهترین وجه و سرشار از عشق و علاقه بوده است. و آن دو همه امور خویش را بر اساس دستورات پیامبر اکرم (ص) تنظیم می نمودند.

رضایت‌مندی از یکدیگر:

امیرالمؤمنین علیه السلام در وصف زندگی شان با حضرت فاطمه سلام الله علیها می فرمایند: به خدای سوگند که در همه ی عمر زندگی مشترک، هرگز به فاطمه خشم نگرفته و هرگز او را به کاری وادار نساختم... و او نیز به من هرگز خشم نگرفت و در هیچ کاری مرا نافرمانی نکرد. او به گونه ای بود که هر گاه به او می نگریستم غمها و اندوه هایم زدوده می شد.^[۳۸]

تقسیم کارها:

حضرت علی (علیه السلام) و فاطمه (سلام الله علیها) خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمدند و تقاضا کردند که خدمات خانه و زندگی را برای هر یک مقرر فرماید. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فاطمه (سلام الله علیها) را به خدمات درون خانه گماشت و بیرون خانه را به علی (علیه السلام) واگذاشت.

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) فرمود: فقط خدا می داند که من چه قدر مسرورم از این که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مرا مأمور به اموری نساخت که فقط از عهده مردان برمی آید (کنایه از این که زنان توانایی حمل بار گران زندگی را ندارند).^۱ البته در موارد متعددی نیز ذکر شده است که امیرالمؤمنین (ع) در کارهای خانه به همسرشان کمک می کنند.^۲

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: حضرت امیر علیه السلام هیزم می آورد، آب می آورد، جاروب می کرد و فاطمه زهراء علیها السلام آسیاب می کرد، خمیر می کرد، نان می پخت.^۳

تحمل سختی های زندگی:

از روایات و گزارشهای تاریخی مشخص می گردد که زندگی این زوج با سختی و البته صبر ایشان در برابر این سختیها همراه بوده است.

فرزندان

بی شک هیچ زندگی در عالم، ثمره اش پربارتر و گرانیهاتر از زندگی این دو بزرگوار نیست. ثمره این زندگی درخت امامت است. امیرالمؤمنین و حضرت زهرا(س) صاحب سه پسر و دو دختر شدند. فرزندان این دو بزرگوار عبارتند از:

۱. امام حسن (ع) دومین امام شیعیان که در سال سوم هجرت به دنیا آمدند.

۲. امام حسین (ع) سومین امام شیعیان که در سال چهارم هجرت به دنیا آمدند.

۳. حضرت زینب (س) که در سال پنجم هجری به دنیا آمدند.

۴. حضرت ام کلثوم (س)

۵. حضرت محسن (ع) اولین شهید راه ولایت که به علت ضربه ای که به حضرت زهرا(س) وارد شد، ایشان در شکم مادرشان سقط شدند و به شهادت رسیدند.

حضرت فاطمه پس از پیامبر

جریان غصب خلافت:

گر چه پیامبر اکرم (ص) قبل از وفات خویش در جایگاه های مختلفی از جمله غدير خم، حضرت علی علیه السلام را به جانشینی خویش تعیین نموده بودند، اما پس از انتشار خبر رحلت پیامبر (صلی الله علیه وآله)، در حالی که علی (علیه السلام) و برخی اصحاب در تدارک غسل و تدفین پیامبر بودند، جمعی از انصار در سقیفه بنی ساعده، جمع شده و بر آن بودند تا سعد بن عباد، شیخی از بزرگان خزرج را به جانشینی رسول خدا نصب کنند. ابوبکر، عمر و ابوعبیده جراح با شنیدن این خبر، بی درنگ و شتابان روانه سقیفه شدند. و پس از رد و بدل شدن سخنانی بین افراد حاضر از قبیله های اوس و خزرج که در این جریان مقابل یکدیگر قرار گرفته بودند و عده اندک مهاجرین حاضر در جلسه که مدعی بودند طبق سخن پیامبر ائمه باید از قریش باشند، در نهایت ابوبکر، عمر و ابوعبیده توانستند به کمک فضای مخالفت پیش آمده بین اوس و خزرج توانستند برای ابوبکر به عنوان خلیفه مسلمین -علی رغم تعیین علی علیه السلام توسط پیامبر- از جمع حاضر در سقیفه بیعت بگیرند.

این امر با اعتراضات اهل بیت و اصحاب ایشان مواجه شد. در روایات آمده است که امام علی علیه السلام به همراه حضرت زهرا (ع) و حسنین (ع) در هنگام شب برای اتمام حجت با اصحاب به درب خانه های آنان می رفت و واقعه غدیر و سخنان پیامبر در حق خود، آنان را به دفاع از حق خویش فرا می خواند.^{۱۴۲}

همچنین آمده است که عده ای از اصحاب ضمن سر باز زدن از بیعت، در خانه حضرت زهرا (س) به نشانه اعتراض تحصن کردند. خلیفه اول و دوم خبر یافتند که گروهی از مهاجرین و انصار با علی بن ابیطالب در خانه فاطمه دختر رسول خدا جمع شده اند، پس با گروهی آمدند و به خانه هجوم آوردند.

طبری گوید: پس زبیر (پسر عمه امام علی)، با شمشیر کشیده، به مقابله او شتافت، ولی پایش لغزید و شمشیر از دستش بر زمین افتاد. پس مهاجمان حمله بردند و او را دستگیر کردند. نص طبری در این مورد این چنین است: بایع الناس و استشبّوا للبیعه و

تَخَلَّفَ عَلَيَّ وَ الزَّبِيرُ وَ اخْتَرَطَ الزَّبِيرُ سَيْفَهُ وَ قَالَ لَا أَعْمَدُهُ حَتَّى يَبَايَعَ عَلَيَّ. فَبَلَغَ ذَلِكَ أَبَا بَكْرٍ وَ عُمَرُ. فَقَالَ عُمَرُ: خُذُوا سَيْفَ الزَّبِيرِ فَاضْرِبُوا بِهِ الْحَجَرَ. ^{۱۴۳}

عمر به همراه دیگر مهاجمان با خشونت وارد خانه شدند. در این میان، حضرت فاطمه(س) مهاجمان را تهدید کرد که اگر از خانه بیرون نروند به خدا شکایت خواهد کرد. ^{۱۴۴} از این رو مهاجمان خانه را ترک کردند و به جز علی و بنی‌هاشم همه تحصن‌کنندگان را به مسجد بردند تا با ابوبکر بیعت کنند. ^{۱۴۵}

غصب فدک:

پس از ماجرای سقیفه و غصب خلافت، از نخستین اقدام های خلیفه این بود که فدک را از تصرف زهرا علیهاالسلام و امیرالمؤمنین علیه السلام خارج کند. از این رو ابوبکر دستور داد تا عوامل و کارگران آن حضرت را از فدک اخراج کردند و آن را به بیت‌المال ملحق نمودند. ^{۱۴۶} وی برای توجیه کار خود به روایتی دست یازید که جز او هیچ یک از صحابه و روات آن را نقل نکرده‌اند. در صحیح بخاری آمده است که ابوبکر در پاسخ حضرت زهرا (سلام الله علیها)، که به اقدام وی اعتراض نمود، چنین گفت: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: لَأَنْوَرُ مَا تَرَكَنَاهُ صَدَقَةً؛ مَا ارْثَ نَمِيْ غَدَارِيْمٍ، هَرَّ جَهْزٍ مَّا بَمَانَدٍ صَدَقَةٍ اسْتِ». ^{۱۴۷}

پس از غصب فدک حضرت زهرا(سلام الله علیها) حضرت زهرا(سلام الله علیها) با گروهی از زنان نزد ابوبکر آمد و فرمود: آیا می‌خواهی زمینی را که پدرم پیغمبر خدا به من عطا فرموده بگیری؟! ابو بکر دوات خواست تا بنویسد که فدک مال فاطمه باشد. عمر وارد شد و به او گفت: ای خلیفه پیامبر خدا! مبادا سند فدک را برای زهرا بنویسی مگر اینکه برای ادعای خود شاهد بیاورد.

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: علی و ام‌ایمن برای مدعای من شهادت می‌دهند. عمر گفت: شهادت زن عجمی که فصاحت ندارد قبول نیست. علی هم روی خمیر خود آتش می‌کشد. حضرت فاطمه با حالتی خشمناک بازگشت. ^{۱۴۸}

پس از آنکه حضرت زهرا(سلام الله علیها) موفق نشدند تا فدک را با سند و شاهد از خلیفه پس بگیرند، ایشان سرپوش بر سر افکند و خود را در چادری پیچیده با گروهی از زنان به جانب مسجد به راه افتاد. حضرت خود را سخت مستور داشته بود و همچون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بدون هیچ کاستی قدم برمی داشت، تا اینکه بر ابو بکر وارد شد. ابوبکر در مسجد نشسته بود و گروهی از مهاجرین و انصار بر گردش جمع شده بودند. برای دور ماندن حضرت از نگاه نامحرمان، پرده‌ای در مسجد آویخته شد و فاطمه علیها السلام در پس آن قرار گرفتند و خطبه فدکیه را در مسجد رسول خدا ایراد کردند.

هجوم به خانه حضرت زهرا:

مطابق با آنچه به تفصیل در منابع شیعه نقل شده، دستگاه خلافت پس از بیعت گرفتن از مردم به انحاء گوناگون، متوجه امام علی علیه السلام شد تا به هر نحوی از آن حضرت بیعت بگیرند. عمر و عده ای دیگر از طرف خلیفه مامور شدند که به درب خانه امام علی علیه السلام رفته و ایشان را -که خلافت را مطابق تعیین خدا و ابلاغ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حق خود می دانست و از بیعت با ابوبکر سر باز می زد- برای بیعت به مسجد ببرند. آنها به زور وارد خانه فاطمه سلام الله علیها شده و آن حضرت را مضروب نموده، علی علیه السلام را با خشونت به سمت مسجد برای بیعت کشیدند.

فیض کاشانی در نوادیر الاخبار کیفیت این واقعه را به نقل از منابع "التهاب نیران الأحزان" چنین می آورد: عمر گروهی را جمع کرد و با آنان به منزل امیر المومنین علیه السلام آمد. آنها به پشت در آمدند و در بسته بود، پس فریاد زدند ای علی خارج شو! خلیفه رسول خدا تو را می خواند، چون درب خانه به روی آنها باز نشد هیزم آوردند و آن را پشت در خانه ریختند و آتش آوردند تا آن را روشن کنند. در این هنگام عمر فریاد زد: به خدا قسم اگر در را باز نکنید آن را آتش می زنم. حضرت زهرا علیها السلام چون فهمید آنها منزلش را آتش می زنند برخاست و در را باز کرد. پس آن در را کنار زدند قبل از آنکه آن حضرت خود را از آنان بیپوشاند. پس فاطمه پشت درب پنهان شد، سپس عمر در را به شدت کنار زد تا به حدی که او را بین درب و دیوار فشرد.

سپس آنها به سمت امیر المومنین علیه السلام هجوم آوردند و بر علیه او با هم یکدست شدند تا اینکه او را از خانه اش بیرون کشیدند در حالی که لباسش را به سرش کشیده بودند او را به مسجد کشیدند. پس فاطمه بین آنها و شوهرش حائل شد و گفت به خدا قسم نمی گذارم پسر عمویم را ظالمانه بکشید و ببرید وای بر شما چه زود بر خدا و رسولش در مورد ما اهل بیت خیانت کردید در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله شما را به پیروی از ما و دوستی ما و و تمسک به ما فراخوانده بود. و خداوند تعالی فرمود: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى؛ بگو من مزدی از شما طلب نمی کنم مگر دوستی نزدیکانم.»

راوی گوید: پس اکثر آن گروه علی علیه السلام را به خاطر فاطمه سلام الله علیها رها کردند. پس عمر به قنقذ بن عمر امر نمود که او را به تازیانه بزند. پس قنقذ با تازیانه بر پشت او و بر پهلوهایش زد تا اینکه او را بی رمق نمود و آثار آن تازیانه ها بر جسم شریفش بر جای ماند و آن زدن، قویترین سبب در سقط جنین بود، جنینی که پیامبر اکرم (ص) او را محسن نامگذاری نموده

منابع اهل سنت برخی از نقل این واقعه سرباز زده یا آن را انکار نموده اند. اما تعداد زیادی از آنها مواردی را گزارش داده اند که نشان از هتک حرمت خانه حضرت زهرا یا فراهم نمودن مقدمات آتش زدن خانه دارد. گر چه به تفصیل واقعه نپرداخته اند. موارد زیر نمونه هایی از این دست است:

احمد بن یحیی جابر بغدادی بلاذری (متوفای ۲۷۰)، این رویداد تاریخی را در کتاب «انساب الاشراف» به این نحو نقل می کند: ابوبکر به دنبال علی علیه السلام فرستاد تا بیعت کند، ولی علی از بیعت امتناع ورزید. سپس عمر همراه با فتیله (آتشزا) حرکت کرد، و با فاطمه در مقابل باب خانه روبرو شد، فاطمه گفت: ای فرزند خطاب، می بینم در صدد سوزاندن خانه من هستی؟! عمر گفت: بلی، این کار کمک به چیزی است که پدرت برای آن مبعوث شده است!^{۱۵۰}

ابن قتیبہ دینوری (۲۷۶-۲۱۲) در کتاب «الإمامة و السياسة» چنین می نویسد: ابوبکر از کسانی که از بیعت با او سربرداشتند و در خانه علی گرد آمده بودند، سراغ گرفت و عمر را به دنبال آنان فرستاد، او به در خانه علی (علیه السلام) آمد و همگان را صدا زد که بیرون بیایند و آنان از خروج از خانه امتناع ورزیدند. در این موقع عمر هیزم طلبید و گفت: به خدایی که جان عمر در دست اوست بیرون بیایید یا خانه را بر سرتان آتش می زنم. مردی به عمر گفت: ای اباحفصدر این خانه، فاطمه، دختر پیامبر است، گفت: باشد!^{۱۵۱}

برخی دیگر از منابعی که به این موضوع اشاره دارند عبارتند از:

تاریخ طبری، محمد بن جریر طبری، چاپ بیروت، ج ۲، ص ۴۴۳

مصنف ابن ابی شیبہ، ج ۸، ص ۵۷۲

عقد الفرید، ابن عبد ربہ، چاپ مکتبہ هلال، ج ۴، ص ۹۳

فرائد السمطين، ابراهيم بن محمد جوينی، طبع بیروت، ج ۲، ص ۳۴، ۳۵.

تعدادی از منابع اهل سنت نیز به نقل مطالبی پرداخته‌اند که نشان از وقوع این واقعه دارد. یا به بخشهایی از آن تصریح می نماید. به عنوان نمونه این روایت از ابوبکر در منابعی چند یافت می شود: ابوبکر در حال احتضار چنین گفت: سه چیز انجام دادم که ای کاش انجام نمی‌دادم، یکی از آن سه چیز: آرزو می کردم که ای کاش هتک حرمت خانه زهرا را نمی‌کردم!^{۱۵۲}

ابراهیم بن سیار نظام معتزلی (۲۳۱-۱۶۰) در کتاب «الوافی بالوفیات» می گوید: عمر در روز اخذ بیعت برای ابی بکر، بر شکم فاطمه زد، او فرزندی که در رحم داشت و نام او را محسن نهاده بودند، سقط کرد!^{۱۵۳}

ذهبی در کتاب «میزان الاعتدال» در شرح حال ابن ابی دارم می نویسد: «احمد بن محمد» معروف به «ابن ابی دارم»، محدث کوفی (م، ۳۵۷ ق)، -کسی که محمد بن احمد بن حماد کوفی درباره او می گوید: «کان مستقیم الأمر عامه دهره»: او در سراسر عمر خود پوینده راه راست بود- نقل می کند که در محضر او این خبر خوانده شد: عمر لگدی بر فاطمه زد و او فرزندی که در رحم به نام محسن داشت سقط کرد.^{۱۵۴}

عیادت ابوبکر و عمر از حضرت زهرا:

مطابق با آنچه در روایات آمده است ابوبکر به همراه عمر بن خطاب پس از واقعه هجوم و در حالی که حضرت زهرا در بستر بیماری بودند به عیادت آن حضرت آمدند و به ایشان سلام کردند، ولی آن حضرت روی خود را برگردانید و پاسخ آن‌ها را نداد. ابوبکر گفت: ای دختر پیامبر! ما آمده‌ایم تا رضایت شما را بدست آوریم از شما خواهش می‌کنیم که ما را ببخشید و از آن چه بر شما رسیده از ما درگذرید! زهرا سلام الله علیها فرمود: «شما اول جواب مرا بدهید، آیا از پیامبر شنیدید که درباره من فرمود: فاطمه پاره تن من است و من از او هستم. هر که او را بیازارد مرا آزرده و هر که مرا بیازارد خدا را آزرده است. هر که پس از مرگم فاطمه را بیازارد، مانند آن است که در زمان حیاتم مرا آزرده است.»

آن دو گفتند: آری شنیدیم، آنگاه فاطمه فرمود: «پروردگار! شاهد باش این دو نفر مرا آزدند! با شما سخن نمی‌گویم تا پروردگارم را ملاقات کنم و از شما شکایت نمایم».^{۱۵۵} برای تفصیل رجوع شود به عیادت خلفا از حضرت زهرا (س).

12. آیات نازل شده در شأن حضرت زهرا(س)

آیه مباهله:

واقعه مباهله واقعه ای مربوط به سال نهم یا دهم هجری است. وقتی مسیحیان نجران از روی لجاجت و عناد سخن پیامبر را درباره یگانگی آفریدگار و شخصیت حضرت عیسی علیه السلام نپذیرفتند، آیه نازل شد که: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» «سوره آل عمران، آیه ۶۱» پس هر کس با تو درباره عیسی در مقام مجادله برآید بعد از آنکه به احوال او آگاهی یافتی، بگو: بیایید ما و شما فرزندان و

زنان و کسانی را که به منزله خودمان هستند بخوانیم، سپس به مباحله برخیزیم (در حق یکدیگر نفرین کنیم) تا دروغگویان (و کافران) را به لعن و عذاب خدا گرفتار سازیم.

پیامبر صلی الله علیه و آله در موعد مقرر به همراه خویش امام حسن و امام حسین علیهما السلام، حضرت فاطمه سلام الله علیها و دامادش حضرت علی علیه السلام را آورد.^[۱۵۷]

علامه طباطبائی در مورد آیه مباحله می گوید: رسول خدا در مقام امتثال این فرمان از «انفسنا» به غیر از علی و از «نسائنا» بجز فاطمه سلام الله علیها و از «ابنائنا» بجز حسنین علیهم السلام را نیاورد. معلوم می شود برای کلمه اول به جز علی علیه السلام و برای کلمه دوم به جز فاطمه سلام الله علیها و از سوم بجز حسنین علیهم السلام مصداق نیافت و کانه منظور از «ابناء» و «نساء» و «انفس» همان اهل بیت رسول خدا بوده، همچنان که در بعضی روایات به این معنا تصریح شده، بعد از آن که رسول خدا نام بردگان را با خود آورد عرضه داشت: «بارالها اینان اند اهل بیت من»، چون این عبارت می فهماند پروردگارا من به جز اینان کسی را نیافتم تا برای مباحله دعوت کنم.^[۱۵۸]

این مطلب را نقلی از روایت مباحله که زمخشری از علمای اهل سنت در تفسیر کشاف از عایشه نقل می کند تایید می نماید: حضرت رسول (ص) در روز مباحله بیرون آمد و عبایی از موی سیاه پوشیده بود چون امام حسن رسید، او را در ذیل عبای خود جای داد، سپس امام حسین رسید، او را نیز در ذیل عبای خود جای داد، و پس از آن، فاطمه و سپس علی؛ آنگاه گفت...: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (سوره احزاب/آیه ۳۳) (ترجمه: جز این نیست که خداوند می خواهد از شما اهل بیت هر پلیدی را بزدايد و شما را به شایستگی پاک گرداند).^[۱۵۹]

برای تفصیل رجوع شود به مقاله «مباحله».

آیه تطهیر:

منظور از آیه تطهیر بخش دوم آیه ۳۳ سوره احزاب است که می فرماید...: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»

این آیه بیان می کند که اراده خداوند بر این امر تعلق گرفته است که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله از هر رجس و پلیدی پاک باشند. تعبیر «يُطَهِّرَكُمْ» در پی «لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ» تأکیدی بر طهارت و پاکیزگی به دنبال دور شدن پلیدی ها است و

«تَطَهِّرًا» که مفعول مطلق است نیز تأکیدی دیگر برای طهارت به شمار می‌رود. «الرَّجْسَ» که با الف و لام جنس است، هر گونه پلیدی فکری و عملی اعم از شرک، کفر، نفاق و جهل و گناه را دربر می‌گیرد.^{۱۶۱} مطابق با روایاتی که در منابع شیعه^{۱۶۱} و برخی از منابع اهل سنت^{۱۶۲} آمده است، منظور از اهل البیت علیهم‌السلام؛ خمسه طویه یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام هستند.

آیه مودت:

آیه مودت بخشی از آیه ۲۳ سوره شوری است که می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...».

سعید بن جبیر از ابن عباس نقل کند وقتی که این آیه نازل شد. گفتند: یا رسول الله اقربا و خویشاوندان شما چه کسانی هستند که مودت و دوستی آن‌ها بر ما واجب گردیده است؟ فرمود: علی و فاطمه و حسن و حسین.^{۱۶۳}

برای تفصیل رجوع شود به «آیه ۲۳ سوره شوری».

سوره کوثر:

مطابق با نقل ابن عباس، شأن نزول سوره کوثر آنست که عاص بن وائل پیامبر را نزد درب مسجد الحرام ملاقات نمود و با او گفتگو نمود. گروهی از بزرگان قریش در مسجد الحرام نشسته بودند هنگامی که عاص بن وائل وارد بر افراد قریش شد در مسجد از او سؤال نمودند که با چه شخصی گفتگو و صحبت می‌نمودی عاص پاسخ داد: با ابتر سخن می‌گفتم. و این سخن را بدین علت گفت که در همان ایام فرزند پیامبر از خدیجه بنام عبدالله وفات نموده بود و کسی که پسر نداشت را ابتر و مبتور می‌نامیدند (یعنی کسی که از او نسلی باقی نمی‌ماند).^{۱۶۴}

این سوره کوتاهترین سوره قرآن است و متن آن چنین است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱) إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ (۲) فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ (۳) إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (۴)» (ای پیامبر، ما به تو خیر و برکت فراوان (فاطمه) عطا کردیم، کنون در برابر این نعمت بزرگ، برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن، مسلماً دشمن تو که می‌گوید صاحب فرزندی نخواهی شد و بلا عقب خواهی ماند، خود او ابتر و بلا عقب است).

مفسران گویند ظاهر آنست که بمناسبت شأن نزول سوره، مراد از کوثر، کثرت نسل باشد و منظور از آن فاطمه زهرا سلام الله علیها است که چهار فرزند مانند حسن و حسین علیهما السلام و دو دختر داشت و از آنان نیز فرزندانی بسیار بوجود آمدند.^{۱۶۵}

سوره انسان:

در شأن نزول مشهور سوره انسان از ابن عباس آمده است: حسن و حسین علیهما السلام بیمار شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله به همراه جمعی اصحاب به عیادت آنان آمدند و به علی علیه السلام پیشنهاد کردند تا برای شفای فرزندان خود نذر کند. علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و کنیزشان (نذر کردند که اگر آن‌ها شفا یابند سه روز روزه بگیرند. حسنین علیهما السلام از بیماری شفا یافتند (و آنان روزه گرفتند در حالی که) چیزی در خانه آنان نبود. علی علیه السلام از شمعون خیبری سه صاع جو به قرض گرفت.

فاطمه علیها السلام یک صاع آن را آرد کرد و ۵ قرص نان پخت. هنگام افطار سائلی بر در خانه آمد و گفت: سلام بر شما ای خاندان محمد صلی الله علیه و آله بی‌توانی مسلمان هستم، غذایی به من دهید، خداوند به شما از غذاهای بهشتی عطا کند. آنان مسکین را بر خود مقدم داشتند و در آن شب جز آب ننوشیدند. روز دوم را همچنان روزه گرفتند و به هنگام افطار یتیمی بر در خانه آمد و غذای خود را به وی دادند. در سومین روز نیز به هنگام افطار اسیری بر در خانه آمد و آنان سهم غذای خود را به او بخشیدند. صبح هنگام امام علی علیه السلام دست حسنین علیهما السلام را گرفته به نزد پیامبر آورد. پیامبر صلی الله علیه و آله آن‌ها را مشاهده کرد که از شدت گرسنگی می‌لرزیدند. فرمود: مشاهده چنین حالی در شما برای من بسیار دشوار است، سپس برخاست و به همراهی آنان وارد خانه فاطمه علیها السلام شد و دخترش را دید که در محراب ایستاده در حالی که از شدت گرسنگی شکم او به پشت چسبیده و چشم‌هایش به گودی نشسته است. پیامبر صلی الله علیه و آله ناراحت شد. در همین هنگام جبرئیل فرود آمد و گفت: ای محمد این سوره را بگیر. خداوند با چنین خاندانی به تو تهنیت می‌گوید، آنگاه سوره هل اتی (انسان) را بر او خواند.^[۶۶]

برای تفصیل رجوع شود به «شأن نزول سوره انسان»))

13. فضایل حضرت فاطمه

برخی از فضایل و مناقب حضرت فاطمه علیها السلام طبق روایات چنین است:

۱. اشتراک حضرت فاطمه علیها السلام با پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین و حسنین علیهم السلام در مقام عصمت و طهارت (بلکه طبق روایات آن حضرت عصمت کبرای الهی است).
۲. اشتراک حضرت صدیقه سلام الله علیها با پدر و همسر و فرزندان در مجاز بودن به ورود و توقف در مسجد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در جمیع حالاتشان.

۳. مادر ائمه اطهار علیهم السلام است.
۴. هنگام ولادت فاطمه علیهاالسلام نور او تمام خانه های مکه را فراگرفت.
۵. نام گذاری زهرا علیهاالسلام از طرف خداوند متعال می باشد.
۶. نام فاطمه بر ساق عرش و درهای بهشت درج شده است.
۷. جنگ و یا صلح با آن حضرت مانند جنگ و صلح با پیامبر و علی و حسنین است.
۸. سیده ی زنان عالم است.
۹. دوستی و دشمنی با او مانند دوستی و دشمنی با پیامبر است.
۱۰. آن حضرت محدثه است یعنی فرشتگان با او سخن می گفتند.
۱۱. شیعیان آن حضرت به بهشت بشارت داده شده اند.
۱۲. مخالفان حضرتش به هلاکت می افتند.
۱۳. در روز قیامت همانند پدر و همسر و فرزندانش سواره محشور می شود.
۱۴. شفیعۀ کبرای روز قیامت است.
۱۵. حب فاطمه علیهاالسلام همانند حب همسر و فرزندان معصومش (که اجر رسالت خاتم الانبیاء است)، بر همگان واجب است.
۱۶. با پدر و همسر و فرزندان در قبۀ الوسیله یا درجۀ الوسیله ی بهشت جای دارند.
۱۷. با پدر و همسر و فرزندان علیهم السلام در قبه ای از نور که زیر عرش برپا می شود و جز پنج تن علیهم السلام کسی را به آن رتبه ی والا راه نیست جای دارد.
۱۸. در صفات و ارزش های معنوی هم کفو امام علی علیه السلام است.
۱۹. بشر از آدم تا خاتم مامور به توسل به حضرت صدیقۀ زهرا علیهاالسلام بوده است.
۲۰. هنگام ورود فاطمه علیهاالسلام به صحنه ی محشر، از جانب حضرت حق تبارک و تعالی ندا می شود: «ای اهل محشر نگاهتان را فروافکنید تا فاطمه عبور نماید»^{۶۷}.

۱۴. شهادت حضرت فاطمه

حضرت فاطمه سلام الله علیها بر اثر ضربه وارده به آن حضرت در هجوم به خانه شان، پس از چند روز از این واقعه، به شهادت رسیدند. درباره روز شهادت حضرت زهرا(س) در میان کتاب های تاریخی چند نظر وجود دارد. بعضی از مورخین این زمان را چهل روز و کسانی این مدت را شش ماه بعد از وفات پیامبر (ص) ذکر کرده اند. همچنین در روایاتی که از ائمه (ع) به ما رسیده است دو تاریخ ذکر شده است که بسیاری از علمای شیعه تاریخ ۹۵ روز بعد از رحلت پیامبر را معتبر تر می دانند. مطابق با این نقل شهادت آن حضرت در ۳ جمادی الاخر سال ۱۱ هجری رخ داد.^[۱۵۶]

در مورد تاریخ شهادت حضرت فاطمه زهرا (س) چند روایت وجود دارد که بنا بر روایتی ۷۵ روز پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) در ۱۳ جمادی الاولی (که نظر اهل سنت نیز بر همین تاریخ است) و به روایت مشهورتری ۹۵ روز پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) مطابق با روز سه شنبه سوم جمادی الثانی در سال یازدهم هجری -در حالی که ۱۸ سال بیشتر از عمر مبارکشان نمی گذشت- است.

در «کشف الغمه» و غیر آن روایت کرده اند که، چون وفات حضرت زهرا (س) نزدیک شد، اسماء بنت عمیس را فرمود که آبی بیاور که من وضو بسازم، پس وضو ساخت و به روایتی غسل کرد نیکوترین غسل ها و بوی خوش طلبید و خود را خوشبو گردانید و جامه های نو طلبید و پوشید و فرمود که "ای اسماء جبرئیل در وقت وفات پدرم چهل درهم کافور آورد از بهشت، حضرت آن را سه قسمت کرد یک حصه برای خود گذاشت و یکی از برای من و یکی از برای علی (ع)، آن کافور را بیاور که مرا به آن حنوط کنند"، چون کافور را آورد فرمود که نزدیک سر من بگذار پس پای خود را به قبله کرد و خوابید و جامه بر روی خود کشید و فرمود که "ای اسماء ساعتی صبر کن بعد از آن مرا بخوان اگر جواب نگویم علی (ع) را طلب کن، بدان که من به پدر خود ملحق گردیده ام"، اسماء ساعتی انتظار کشید بعد از آن، آن حضرت را ندا کرد و صدایی نشنید، پس گفت: ای دختر مصطفی، ای دختر بهترین فرزندان آدم، ای دختر بهترین کسی که بر روی زمین راه رفته است، ای دختر آن کسی که در شب معراج به مرتبه «قَابَ قَوْسَینَ أَوْ أَدْنَى» رسیده است، چون جواب نشنید جامه را از روی مبارکش برداشت دید که مرغ روحش به ریاض جنّات پرواز کرده است پس بر روی آن حضرت افتاد آن حضرت را می بوسید و می گفت: چون به خدمت حضرت رسول (ص) برسی سلام اسماء بنت عمیس را به آن حضرت برسان؛ در این حال حضرت امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) تشریف آوردند.

در روایت دیگر است که اسماء گریبان خود را چاک زد و از نزد فاطمه (ع) بیرون شد، حسنین (علیهما السلام) او را ملاقات کردند فرمودند: ای اسماء، مادر ما کجا است؟ اسماء سکوت کرد، آن دوبرگوار داخل بیت شدند و دیدند که مادرشان خوابیده است، حضرت امام حسین (ع) نزدیک شد و حرکت داد آن حضرت را دید که از دنیا رفته است «فَقَالَ يَا أَخَا أَجَرَ اللَّهُ فِي الْوَالِدَةِ؛ گفت: ای برادر؛ خدا اجر دهد تو را در مصیبت مادر.» پس امام حسن (ع) خود را روی مادر افکند.

مردم مدینه پس از آگاهی از شهادت فاطمه زهرا (س)، در اطراف خانه آن بزرگوار جمع گشتند و منتظر تشییع و تدفین فاطمه (س) بودند، اما اعلام شد که تدفین حضرت زهرا (س) به تأخیر افتاده است؛ لذا مردم پراکنده شدند. هنگامی که شب فرا رسید و چشمان مردم به خواب رفت، امام علی (ع) بنا بر وصیت فاطمه (س) و به دور از حضور افراد، به غسل بدن مطهر و رنج دیده همسر خویش پرداخت و سپس او را کفن نمود.

هنگامی که از غسل دادن او فارغ شد، به امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) که در زمان شهادت مادر هر دو کودک بودند. امر فرمود تا عده‌ای از صحابه راستین رسول خدا (ص) را که البته مورد رضایت فاطمه (س) بودند و تعدادشان از هفت نفر بیشتر نمی‌شد، خبر نمایند تا در مراسم تدفین آن بزرگوار شرکت کنند.

پس از حضور صحابه، امیر المومنین (ع) بر حضرت زهرا (س) نماز گزارد و سپس در میان حزن و اندوه کودکان خردسالش که مخفیانه در فراق مادر جوان خویش گریه می‌نمودند، به تدفین فاطمه (س) پرداخت.

هنگامی که تدفین حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) به پایان رسید، رو به سمت مزار رسول خدا (ص) نمود و گفت: سلام بر توای رسول خدا، از جانب من و از دختری که بر تو و در کنار تو آرمیده است و در زمانی اندک به تو ملحق شده. ای رسول خدا، صبر و شکیبایی‌ام از فراق حبیبه‌ات کم شده، خودداریم در فراق او از بین رفت... ما از خداییم و بسوی او باز می‌گردیم... به زودی دختری، تو را خبر دهد که چه سان امتت فراهم گردیدند و بر او ستم ورزیدند. سرگذشت را از او بپرس و گزارش را از او بخواه که دیری نگذشته و یاد تو فراموش نگشته "...

بنا بر روایتی حضرت علی (ع) بر دور قبر حضرت زهرا (س) هفت قبر دیگر ساخت که ندانند قبر آن حضرت کدام است. و به روایتی دیگر، چهل قبر دیگر را آب پاشید که قبر آن مظلومه در میان آن‌ها مشتبه باشد، و به روایت دیگر قبر آن حضرت را با زمین هموار کرد که علامت قبر معلوم نباشد. این‌ها برای آن بود که عین موضع قبر آن حضرت را ندانند و بر قبر او نماز نکنند و خیال نبش قبر آن حضرت را به خاطر نگذرانند و به این سبب در موضع قبر آن حضرت اختلاف واقع شده است.

بعضی گفته‌اند که در بقیع است نزدیک قبور ائمه بقیع (علیهما السلام) و بعضی گفته‌اند ما بین قبر حضرت رسول (ص) و منبر آن حضرت مدفون است؛ زیرا که پیامبر اسلام (ص) فرمودند: "ما بین قبر من و منبر من باغی است از باغ‌های بهشت و منبر من بر دری است از درهای بهشت"؛ و بعضی گفته‌اند که حضرت علی (ع)، حضرت زهرا (س) را در خانه خود دفن کردند

15. معرفی ۱۱ کتاب برتر پیرامون حضرت فاطمه زهرا (س)



در این قسمت سعی چند کتاب مهم موجود در بازار کتاب درباره حضرت زهرا (س) را معرفی نمایم:

۱- فاطمه زهرا شادمانی دل پیامبر / احمد رحمانی همدانی / حسن افتخارزاده سبزواری / نشر بدر

اصل کتاب به زبان عربی است و عنوانش ؛ "فاطمه الزهرا بهجت قلب المصطفی."

جزء کتابهای دست یک درباره حضرت زهرا (س) و زوایای پنهان زندگی ایشان است. ترجمه‌ای روان و چابی درخور؛ یک کتاب به یاد ماندنی را به شما عرضه کرده است.

۲- فاطمه الزهرا از ولادت تا شهادت / مؤلف: سید محمد کاظم قزوینی / مترجم: علی کرمی / نشر مرتضی

اهل علم، مؤلف این کتاب را "علامه" می‌خوانند. وی مجتهدی مبرز و کلامی مسلمی است که یک دوره کتاب ارزشمند درباره زندگی اهل بیت (علیهم السلام)، تألیف کرده است. اصل کتابها به زبان عربی تألیف شده‌اند ولی اغلب آنها در زمان حیات مؤلف به فارسی برگردانده شده و به چاپ رسیدند. آیت الله قزوینی این کتابها را به سیاق واحد "من المهد الی اللحد" تألیف نموده و در آنها ضمن بهره بردن از منابع دسته یک تاریخ و حدیث و کلام به تبیین شرایط و کیفیت زندگی حضرات اهل بیت پرداختند. امام علی، زینب کبری، امام هادی و امام زمان (علیهم السلام) در این مجموعه ارزشمند، پرفروش‌ترین بوده‌اند.

۳- زندگانی فاطمه الزهرا / حسین عماد زاده / نشر اسلام

کتابی با نثری سلیس و همه فهم که مانند سایر کتابهای انتشارات اسلام، هم دقیق و مستند هستند و هم کاملاً ایرانی. خدا سایه حاج احمد سیاح، مدیر دانشمند و پر کار انتشارات اسلام را بر سر ما قبيله کتاب دوست، حفظ کند. پیرمرد مجتهدی که کت و شلوار می‌پوشد و تا همین امروز که بالغ بر هشتاد سال سن دارد به مغازه می‌آید و به لطف حضرت حق، پشت میزی می‌نشیند که لغت نامه بسیار ارزشمند و ماندگار خویش را همان جا تدوین نموده است. او هنوز هم هر سال کارهای جدیدی ارائه می‌کند.

۴- صدیقه شهیده/ سید عبدالرزاق موسوی مقرر /دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین

موسوی مقرر را با مقتل‌هایی می‌شناسند که تالیف کرده است. از بس که در عین اختصار پر مغز و مستند است. این کتاب جزء معدود کتابهای فارسی است که اهل تاریخ و اسلام‌شناسان، آن را به زبان عربی و سایر زبانها برگردانده‌اند.

۵- نهج الحیات (فرهنگ سخنان حضرت فاطمه(س)) /محمد دشتی/ مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین

دانشنامه‌ای کوچک از احادیث کمتر شنیده شده حضرت صدیقه کبری. مرحوم محمد دشتی را که می‌شناسید. نهج البلاغه با تحقیقات ایشان به دوره جدیدی از استفاده و استقبال وارد شد؛ تا جائیکه رهبر انقلاب دشتی را و تحقیقات دقیقش را ستوده و آن را به عنوان الگویی بی‌نظیر معرفی فرمودند. او با حفظ سیاق مرحوم سید رضی مدون نهج البلاغه، اقدام به تدوین کتابی از بیانات و احادیث حضرت فاطمه(سلام الله علیها) نموده است.

۷- سیصد و شصت داستان از فضایل، مصائب و کرامات حضرت فاطمه(س)) /عباس عزیزی/ نشر سلسله

عباس عزیزی را بیشتر با داستانها و حکایت‌هایش می‌شناسیم که با محوریت اهل بیت(ع)، از منابع دست یک روایی، تهیه و روانه بازار کرده است. کتابهایی که شاید حجم زیادی نداشته باشند ولی سرشار از حکایت‌های ناشنیده‌ای هستند که با حسن سلیقه و انتخاب در جایی گرد آمده‌اند.

۸- کرامات الفاطمیه/ علی میر خلف زاده /نشر مهدی یار

کرامات الفاطمیه مجموعه‌ای است مربوط به معجزات حضرت فاطمه زهرا(س) که به همراه بخشهای کوتاهی از تاریخ اسلام و سوگندنامه فاطمه زهرا(س) در چندین فصل تدوین شده است. این کتاب تا امروز بیش از نه چاپ داشته است که شاید نشان از خواندنی بودنش باشد.

۹- اسرار و آثار تسبیح حضرت زهرا(س)) /علیرضا رجالی تهرانی/ نشر نبوغ

تسبیح حضرت‌شان تنها لطف کوچکی است که از آن روزها تا همین امروز، رونق بخش لحظات تعقیبات نماز ما است. علیرضا رجالی تهرانی کوشیده است بگوید این ذکر پر رمز و راز چه عالمی دارد.

۱۰- رنجه‌ها و فریاد های فاطمه(س)) /عباس قمی/ محمد محمدی اشتهاردی/نشر ناصر

این کتاب ترجمه‌ای است از کتاب "بیت الاحزان فی مصایب سیده النسوان" اثر بی بدیل حاج شیخ عباس قمی معروف به محدث قمی. نه مؤلف معرفی می‌خواهد نه اثر.

۱۱- تحلیل سیره فاطمه الزهرا(س) /علی اکبرزاده/نشر انصاریان

انتشارات انصاریان یک ناشر موفق و پر کار است. در چند سال اخیر با انتخاب مدیوم بین‌المللی برای چاپ و نشر کتاب در کشورهای اروپایی و آمریکایی کاری کرده است کارستان. کتاب هم که نگاهی به سیره معصومانه ام‌الائم(س) است. سیره یعنی تمام شئون عملی یک معصوم؛ و این همان چیزی است که اسوه حسنه آل الله نامیده می‌شود.

۱. كنز العمال ج ۶ ص ۲۱۹ ؛ الصواعق المحرقة ۹۶
۲. ترجمه مسند فاطمه زهرا سلام الله عليها، ص ۲۵
۳. شيخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۴۱۴
۴. فرهنگ ابجدی عربی فارسی (ترجمه المنجد)، فواد افرام البستانی؛ ترجمه رضا مهیار، ج ۱، ص ۴۸
۵. بحار الأنوار (ط بیروت)، ج ۴۳، ص ۱۲، ح ۶.
۶. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۷۰، ح ۴۷۴۰؛ امالی شیخ صدوق، ص ۲۴۵، حدیث ۱۲
۷. مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۱۶
۸. فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفى، ج ۱
۹. المصباح، شیخ طوسی، طبع هند، ص ۵۵۴
۱۰. تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۲۷۷؛ ذخائر العقبی، ص ۴۹؛ مقاتل الطالبیین، ص ۴۸.
۱۱. رجوع شود به تاریخ ولادت صدیقه کبرا فاطمه زهرا (س)، سید ضیاء مرتضوی، پیام زن، آبان ۱۳۷۷، شماره ۸۰
۱۲. المستدرک، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۷۸، ح ۴۷۶۵. نقل از ولادت فاطمه زهرا (س)، پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مکارم شیرازی
۱۳. نک: تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۲۷۸، و ذخائر العقبی، ص ۵۲.
۱۴. نک: بحار الانوار، ج ۴۳، صص ۶ - ۱۰.
۱۵. تاریخ ولادت صدیقه کبرا فاطمه زهرا (س)، سید ضیاء مرتضوی، پیام زن، آبان ۱۳۷۷، شماره ۸۰
۱۶. مناقب آل ابی طالب؛ ج ۳، ص ۳۹۳؛ تذکره الخواص، ص ۳۰۶ - ۳۰۷؛ ضیاء العالمین، ج ۲، ص ۴۶.
۱۷. ر. ک: خصائص امیر المؤمنین علی، ص ۲۲۸؛ مناقب آل ابی طالب؛ ج ۳، ص ۳۹۳؛ تذکره الخواص، ص ۳۰۶؛ ضیاء العالمین، ج ۲، ص ۴۶.
۱۸. علامه جعفر مرتضی عاملی، رنج های حضرت زهرا (سلام الله عليها)، ص ۲۹
۱۹. علامه مجلسی در بحار الانوار، ج ۱۶ ص ۷۸ و ۷۹
۲۰. زندگانی حضرت زهرا عليها السلام، ترجمه بحار الأنوار، ص: ۳۳
۲۱. الدر فی اختصار المغازی و السیر، ص ۲۷
۲۲. ترجمه دلائل النبوه، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۲ ص ۶۵-۶۶
۲۳. سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۳۷۵، ابن سعد، طبقات، ج ۱، ص ۲۰۸ و طبرسی، اعلام الوری، ص ۴۹، بیهقی، دلائل النبوة، ج ۲، ص ۳۱۱.

۲۴. انساب الاشراف ، ج ۱، ص ۲۳۴
۲۵. فاطمه زهرا سلام الله عليها از ولادت تا شهادت ، محمدکاظم قزوینی؛ ص ۱۵۹
۲۶. سیره ابن هشام، جلد ۱، صفحه ۴۱۶
۲۷. مناقب ابن شهر آشوب، جلد ۱، صفحه ۷۱
۲۸. صحیح بخاری، جلد ۵، صفحه ۸
۲۹. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۹، ص ۶۴-۶۶
۳۰. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۹، ص ۶۶
۳۱. امین، سید محسن ، أعيان الشيعة، ج ۱، ص ۳۱۳، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۶ ق
۳۲. انصاری، اسماعیل، الموسوعة الكبرى عن فاطمة الزهراء، ج ۴، ص ۲۱، دلیل ما، قم، ۱۴۲۸ ق
۳۳. بن عبد البر، الاستيعاب فی معرفة الأصحاب ، ج ۴، ص ۱۸۹۳، بیروت، دار الجیل، ط الأولى، ۱۹۹۲/۱۴۱۲.
۳۴. ابن سعد، طبقات، ج ۸، ص ۱۱، در سنن نسائی آمده است: پیغمبر(ص) در پاسخ آنان گفت: «فاطمه خردسال است» و چون علی(ع) او را از وی خواستگاری کرد، پذیرفت.(نسائی، سنن، ج ۶، ص ۶۲؛ فاطمه الزهراء، ص ۲۵، ج ۲)، الصواعق المحرقة، ص ۱۶۲ و رجوع به انساب الاشراف، ص ۴۰۲ شود، بحار، ص ۹۲ و نک: فصل «گزیده ای از شعرای عربی».
۳۵. الأمالی للطوسی : ص ۳۹ ح ۴۴ ، بشارة المصطفی : ص ۲۶۱
۳۶. بحار الانوار ج ۴۳ / ۱۰۷
۳۷. حسن زاده آملی؛ حسن، شرح فص حکمة عصمتیة فی کلمة فاطمیة، ص ۱۷۸
۳۸. بحار الانوار، ج ۴۳
۳۹. ناسخ التواریخ ، حالات حضرت فاطمه (سلام الله عليها)، ص ۴۱۷
۴۰. فضائل الزهراء، ص ۷۷
۴۱. زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ترجمه نجفی، ص ۱۶۹
۴۲. رجوع شود به صفحه «اتمام حجت امام علی علیه السلام با اصحاب»
۴۳. طبری، ۲: ۴۴۳ و ۴۴۴ و ۴۴۶ و در چاپ اروپا، ۱: ۱۸۱۹ و ۱۸۲۰ و الرياض النضرة، محبّ الدّین طبری، ۱: ۱۶۷ و تاریخ الخمیس، ۱۸۸: ۱ و ابن ابی الحديد، ۲: ۱۲۲ و ۱۳۲ و ۱۳۴ و ۵۸ و ۶: ۲ و كنز العمال، ۳: ۱۲۸.
۴۴. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، دارصادر، ج ۲، ص ۱۰۵.
۴۵. ابن ابی الحديد، شرح نهج البلاغه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲، ص ۲۱.
۴۶. کلینی، اصول کافی، ۱۳۶۹ ش، ج ۱، ص ۵۴۳؛ شیخ مفید، المقنعة، ۱۴۱۰ ق، ص ۲۸۹ و ۲۹۰
۴۷. صحیح بخاری، جلد ۵، ص ۱۹۸
۴۸. بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۶۴۶-۶۴۵

۴۹. فیض کاشانی، نوادر الاخبار، تحقیق مهدی انصاری قمی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۱ ش، ص ۱۸۳
۵۰. انساب الأشراف، دار معارف، قاهره، ج ۱، ص ۵۸۶
۵۱. الامامه و السياسه، ج ۱، ص ۱۲
۵۲. معجم كبير طبرانی، تحقیق حمدی عبدالمجید سلفی، ج ۱، ص ۶۲، شماره حدیث ۳۴: ((أما الثلاث اللائی وددت أنى لم أفعلنّ، فوددت أنى لم أكن أكشف بيت فاطمة و تركته)) عقد الفريد، ابن عبد ربه، چاپ مكتبة هلال، ج ۴، ص ۹۳: ((وددت أنى لم أكشف بيت فاطمة عن شى و إن كانوا اغلقوه على الحرب)) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحديد، چاپ مصر، ج ۲، ص ۴۶ و ۴۷: ((وددت أنى لم أكن كشفت عن بيت فاطمة و تركته ولو أغلق على الحرب)) مروج الذهب، مسعودی، چاپ دار اندلس، بيروت، ج ۲، ص ۳۰۱: ((فوددت أنى لم أكن فتشت بيت فاطمة و ذكر فى ذلك كلاماً كثيراً!))
۵۳. الوافى بالوفيات: ج ۶، ص ۱۷، شماره ۲۴۴۴؛ ملل و نحل شهرستانی، ص ۵۷
۵۴. میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۴۵۹: «انّ عمر رفس فاطمة حتى أسقطت بمحسن».
۵۵. اعلام النساء، ج ۳، ص ۱۲۱۵-۱۲۱۴.
۵۶. تاریخ دقیق شهادت حضرت زهرا (ع) کدام است؟، سایت اسلام کوئست
۵۷. شیخ مفید، الإرشاد، ج ۱، ص ۱۶۶ تا ۱۶۹. برای مشاهده اسناد روایت در منابع شیعه و سنی رک: تفسیر آیه «مباهله» از دیدگاه اهل بیت(ع) و اهل سنت، ایلقار اسماعیل زاده، طلوع، شماره ۱۰ و ۱۱ در دسترس در سایت حوزه، بازبایی: ۱۵ اسفند ۱۳۹۶
۵۸. میزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۳۷
۵۹. زمخشری، تفسیر الکشاف، ج ۱، صص ۳۷۰-۳۶۹
۶۰. میزان، ج ۱۶، ص ۳۱۲.
۶۱. به عنوان نمونه: کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، ج ۱، ص ۲۸۶ - ۲۸۷؛ شیخ صدوق، الخصال، ص ۴۰۳، حدیث ۱۱۳، و ص ۵۸۰، حدیث ۱؛ شیخ طوسی، الامالی، ص ۳۶۸ و ۷۸۳؛ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷ ص ۵۵۹ و ج ۸ ص ۳۵۷
۶۲. به عنوان نمونه: جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ج ۱۲، جزء ۲۲، ص ۶؛ رازی، ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم، ج ۹، ص ۳۱۳۱، حدیث ۱۷۶۷۳؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۴۹۴؛ نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، ص ۲۹۵؛ سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر المأثور، ج ۶، ص ۶۰۴؛ نیشابوری، ابو عبدالله حاکم، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۴۱۶
۶۳. ابن حنبل، فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب(ع)، (ع)، ۱۴۳۳ق، ص ۲۹۵.
۶۴. انوار درخشان در تفسیر قرآن، محمد حسینی همدانی، ج ۱۸، ص ۳۰۸

٦٥. انوار درخشان در تفسیر قرآن، محمد حسینی همدانی، ج ١٨، ص ٣٠٩ - اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ١٤، ص ٢٤٤ - المیزان فی تفسیر القرآن، ج ٢٠، ص ٣٧٠ - مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ١٠، ص: ٨٣٦
٦٦. لکشاف، ج ٤، ص ٤٧٠؛ مجمع البیان، ج ١٠، ص ٦١١ - ٦١٤؛ روح المعانی، مج ١٦، ج ٢٩، ص ٢٦٩ - ٢٧٠.

٦٧. کتاب فاطمه زهرا سلام الله علیها. علامه عبدالحسین امینی